

Analysis of political intelligence components in political conflict management

Mohamad Mahdi Golshahi*
Abbas Ali Rahbar**
Mojgan Niksiratfar***


Received: 2020/02/04
Accepted: 2020/08/31

Political leaders use power and influence to try to resolve conflicts and succeed in politics, while these resources alone are not enough to succeed in politics. Hence, individual leadership skills, such as political intelligence, play a crucial role in resolving conflicts. In fact, leaders with higher political intelligence see politics as an opportunity to gain benefits and have the potential for higher decision-making than others to achieve multiple goals at the same time. Relying on the scientific approach and also benefiting from the content analysis method, this research has addressed the main question: what is the function of political intelligence in the analysis of political conflicts? The results of this study indicate that: the components of political intelligence, namely social games, political personality, capture of emotions and dynamics of power and obvious honesty, respectively, have the greatest impact on conflict resolution.

Keywords: Cognitive approach, Cognitive science, Conflict, Political behavior, Political intelligence, Politics,.


* Master of Political Thought in Islam, Allameh Tabatabaie University, Tehran, I.R.Iran
(Corresponding author).

mgolshahi73@gmail.com

 0000-0001-9012-547X


** Associate Professor of Political Science, Allameh Tabatabaie University, Tehran, I.R.Iran.

aa.rahbar@atu.ac.ir

 0000-0003-4170-1316

*** Master of Advertising at Abhar Azad University, Abhar, I.R.Iran.

niksiratmojgan@gmail.com

 0000-0002-0739-3690

تحلیل مؤلفه‌های هوش سیاسی در مدیریت منازعات سیاسی

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۰

مقاله برای بازنگری به مدت ۴۱ روز نزد نویسندگان بوده است.

محمد مهدی گلشاهی*

عباسعلی رهبر**

مژگان نیک سیرت***

چکیده

رهبران سیاسی با به‌کارگیری قدرت و نفوذشان سعی در حل و فصل منازعات دارند؛ این در حالی است که این منابع به تنهایی برای موفقیت در عرصه سیاست کافی نیستند. از این رو مهارت‌های فردی رهبران همچون هوش سیاسی، نقش تعیین‌کننده‌ای در حل و فصل منازعات ایفا می‌کنند. در واقع رهبرانی که از هوش سیاسی بالاتری برخوردارند، سیاست را فرصتی برای کسب منافع می‌دانند و از امکان بالقوه تصمیم‌گیری بالاتری نسبت به سایرین برای کسب هم‌زمان چندین هدف برخوردارند. این افراد در عمل، کم‌تر دچار تعارض منافع شخصی و جمعی می‌شوند و در ایجاد شبکه و ائتلاف‌های سیاسی رفتار اثر بخش‌تری از خود ارائه می‌دهند. این پژوهش با تکیه بر رویکرد علوم‌شناختی و همچنین بهره‌مندی از روش تحلیل محتوا، در پاسخ به این سؤال است که: کارکرد هوش سیاسی در تحلیل منازعات سیاسی چیست؟ نتایج پژوهش که با تأکید بر مؤلفه‌های هوش سیاسی (بازی‌های اجتماعی، شخصیت سیاسی، تسخیر احساسات و پویایی‌های قدرت و صداقت آشکار) انجام شده، حاکی از آن است که هوش سیاسی، قابلیت ارزیابی منازعات سیاسی را دارا بوده و به عنوان عاملی تأثیرگذار در شناخت، ارزیابی و بهبود رفتار سیاسی رهبران تلقی می‌گردد.

واژگان کلیدی: رفتار سیاسی، رویکرد شناختی، سیاست، علوم‌شناختی، منازعه، هوش سیاسی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

mgolshahi73@gmail.com

0000-0001-9012-54yx

** دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

aa.rahbar@atu.ac.ir

0000-0003-4170-1316

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، زنجان، جمهوری اسلامی ایران.

niksiratmojgan@gmail.com

0000-0002-0739-3690

مقدمه

بیان مسئله: اختلاف و منازعه از نمودهای بارز عرصه‌های مختلف سیاسی است؛ به همین خاطر مدیریت منازعه و تلاش برای حل و فصل آن به عنوان دغدغه‌ای مهم در حوزه سیاست مطرح است (Bercovitch, Kremenyuk and Zartman, 2009, p.59).

اهمیت: رهبران سیاسی به عنوان نماینده کشورها، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی نقش کلیدی در ایجاد یا حل و فصل منازعات دارند و برای این منظور بیشتر تلاش می‌کنند تا از منابع سخت‌افزاری در اختیارشان استفاده نمایند. این در حالی است که عوامل دیگری همچون هوش سیاسی، از تأثیر به مراتب بیشتری در این زمینه برخوردار است (Ferris & et.al, 2000, pp.31-32). با این توضیح پژوهش حاضر به دلیل کمک به توان مدیریتی رهبران، دارای اهمیت کاربردی و عملیاتی است.

ضرورت: رهبران سیاسی برای حل و فصل منازعات نیازمند به‌کارگیری راهبرد مشخص هستند که این استراتژی در رفتار سیاستمداران نمود پیدا می‌کند. رفتار سیاستمداران به نوبه خود تابعی از منافع و هوش سیاسی آنهاست، هوش سیاسی رهبران به معنای نظارت هدفمند و هماهنگ آنها بر عملکرد رقبای خود و شناسایی آنها در چارچوب‌های رفتاری مشخص است (Ashraf and Iqbal, 2011, p.6151). رهبرانی که هوش سیاسی بالایی دارند، شناخت بهتری نسبت به قواعد قدرت دارند و می‌دانند که برای کسب و توسعه منافع سیاسی باید بر چه کسانی تأثیر بگذارند (آتش‌پور و اصفهانی، ۱۳۸۶، ص. ۵۰). از این‌رو بررسی نقش هوش سیاسی و مؤلفه‌های آن به عنوان عاملی مؤثر در بهبود رفتار سیاستمداران در تحلیل و مدیریت منازعات ضرورت علمی و کاربردی در جامعه ما دارد.

اهداف: هدف اصلی این پژوهش کمک به ارتقای الگوی تربیت مدیران در کشور است. اهداف فرعی آن تبیین ظرفیت‌ها و کارکردهای هوش سیاسی و همچنین رویکردشناختی نسبت به سیاست است.

سؤال‌ها و فرضیه: سؤال اصلی این پژوهش آن است که: کارکرد هوش سیاسی در تحلیل منازعات سیاسی چیست؟ در این ارتباط، سؤال‌های فرعی زیر طرح و بررسی شده‌اند: مؤلفه‌های اصلی هوش سیاسی کدامند؟ کدام مؤلفه‌های هوش سیاسی تأثیرگذاری بیشتری در حل منازعات دارند؟ هوش سیاسی چه تأثیری بر رفتار سیاسی رهبران در راستای تصمیم‌های منطقی دارد؟ لازم به ذکر است که این پژوهش فرضیه‌آزما نیست.

۱. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر پژوهش‌های متعددی با محوریت هوش سیاسی و تأثیرگذاری آن در بهبود روند ارزیابی و تصمیم‌گیری انجام شده که به می‌توان این منابع را از آن حیث که به ماهیت و یا کارکرد هوش سیاسی توجه دارند، به دو دسته اصلی تقسیم نمود:

۱-۱. متونی که هدف آنها ارائه الگو برای هوش سیاسی است.

این پژوهشگران بیشتر در صدد یافتن و ارائه مؤلفه‌هایی در قالب الگوهای رفتاری هستند که سبب بهبود رفتار و مهارت سیاسی افراد در محیط‌های سیاسی و سازمانی شود. در واقع محققان در صددند با ارائه الگوهایی سبب بهبود تصمیم‌گیری و ارزیابی در عرصه سیاست و کاهش هزینه‌های اعمال مستقیم قدرت در عرصه سازمانی شوند. در همین راستا می‌توان به چهار الگو از هوش سیاسی اشاره داشت که در سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۴ توسط محققان طراحی و با عناوین الگوهای «بهازین» (Bhasin, 1985)، «ترودی» (Treadway, 2004)، «فریس و همکاران» (Ferris & et.al, 2004) و «اشرف و محمد اقبال» (Ashraf & Iqbal, 2011) شناسانده می‌شوند. اولویت اولین الگوهای هوش سیاسی معطوف به امور اقتصادی و کارآفرینی بوده است تا بهبود روابط سازمانی و سیاسی. در الگوی دوم مؤلفه‌هایی همچون پویایی قدرت، شخصیت سیاسی، بازی‌های اجتماعی، صداقت آشکار، تسخیر احساسات و تسخیر اطلاعات هوش سیاسی برای رسیدن به اهداف سازمانی و خنثی کردن تهدیدها در نظر گرفته شده است. در الگوی سوم، تعداد چهار مؤلفه هوشیاری اجتماعی، نفوذ فردی، توانایی شبکه و صداقت آشکار برای هوش سیاسی پیشنهاد شده که بیشتر معطوف به اجتماع هستند. در الگوی چهارم مؤلفه‌هایی همچون پویایی‌های قدرت، شخصیت سیاسی، بازی‌های اجتماعی، دانش عملی و مدیریت استرس مؤثر برای هوش سیاسی، برجسته شده‌اند.

۱-۲. متونی که هدف آنها تبیین کاربرد هوش سیاسی است.

این پژوهشگران صرفاً به ارائه الگو یا بررسی تأثیرگذاری هوش سیاسی به طور مستقل نپرداخته‌اند بلکه تأثیرگذاری هوش سیاسی بر سایر مفاهیم را تحلیل نموده‌اند. سرآمد این نوع تحقیقات را می‌توان در مطالعه‌ای که سوزان آدامز^۱ و آلبرتو زانزی^۲ (۲۰۰۵) بر روی

توسعه هوش سیاسی و تأثیر آن در شکل‌گیری افزایش امکان تصمیم‌گیری انجام داده‌اند، مشاهده کرد. آنها با آزمایش بر گروهی از دانشجویان به این نتیجه رسیدند که آموزش و افزایش سطح آگاهی در مورد مفاهیم پایه‌ای علم سیاست همچون قدرت و نفوذ می‌تواند سبب افزایش امکان ارزیابی سیاسی افراد از آن مفاهیم شود و در نتیجه روند تصمیم‌گیری آنها را بهبود بخشد. در ایران نیز پژوهش‌هایی درباره هوش سیاسی و کارکردهای آن به انجام رسیده که در این مورد می‌توان به تحقیقات محمد دوستار و یعقوب ممینی (۱۳۹۲) اشاره داشت. ایشان نقش هوش سیاسی مدیران بر نحوه مدیریت تغییر در سازمان را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که مدیرانی که از هوش سیاسی بالاتری برخوردارند، توانایی بیشتری از خود برای مدیریت تغییر در سازمان نشان می‌دهند. این پژوهش نیز با در نظر گرفتن تمامی مدل‌های هوش سیاسی و انتخاب مدل ۵ مؤلفه‌ای از هوش سیاسی شامل پویایی‌های قدرت، شخصیت سیاسی، بازی‌های اجتماعی، صداقت آشکار، تسخیر احساسات به عنوان یک مدل عمومی‌تر و مورد اجماع نقش مؤلفه‌های هوش سیاسی را در مدیریت منازعات سیاسی مورد بررسی قرار داده است.

۲. مبانی مفهومی و نظری

۲-۱. علوم‌شناختی

علوم شناختی یک حوزه مطالعاتی بین‌رشته‌ای است که به مطالعه ذهن و هوش می‌پردازد و شامل فلسفه، روان‌شناسی، هوش مصنوعی، علم اعصاب، زبان‌شناسی و انسان‌شناسی می‌شود. در واقع انگاره اصلی آنچه علوم‌شناختی نامیده می‌شود، این است که سازوکارهایی عصبی وجود دارد که اعمال به وسیله آنها تحقق می‌یابد (هره، ۱۳۹۶، ص. ۳۵). فرضیه محوری علوم‌شناختی بر این اصل استوار است: تفکر را در بهترین حالت می‌توان به صورت ساختارهایی بازنمودی در ذهن و نیز روال‌هایی رایانشی تصور کرد که بر آن ساختارها تأثیر می‌گذارند (تاگارد، ۱۳۹۸، ص. ۱۹). این فرضیه به قدری از جامعیت برخوردار است که گستره فعلی تفکرات در علوم‌شناختی از جمله نظریه محاسباتی ذهن را دربرمی‌گیرد.

۲-۲. نظریه محاسباتی ذهن

نظریه محاسباتی ذهن یا همان الگوی پردازش خبر که با عنوان رویکرد شناختی هم معرفی می‌شود، الگویی نظری است که پس از پدید آمدن علوم شناختی برای توصیف ذهن مطرح شد (فردنبرگ و سیلورمن، ۱۳۹۸، ص. ۱۴۳). این رویکرد با تکیه بر دو مفهوم بنیادی محاسبه و بازنمایی و نیز با در نظر گرفتن نقش علی اطلاعات در فرآیند تنظیم و کنترل رفتار پا به عرصه علوم شناختی گذاشت. محققان از شش شیوه برای توصیف بازنمایی ذهنی و محاسبات شناختی نام می‌برند که شامل منطق، قواعد، شبکه‌های پیوندی، مفاهیم، تصاویر ذهنی و تمثیل می‌شود (حاتمی، ۱۳۹۷، صص. ۴۸-۴۷). به عبارتی در رویکرد محاسباتی، ذهن به عنوان یک سیستم پیچیده در نظر گرفته می‌شود که اطلاعات را دریافت، ذخیره، بازیابی، تبدیل و سپس منتقل می‌کند.

۲-۳. منازعه

منازعه به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن فرد یا گروهی معین از افراد از لحاظ قومی و فرهنگی به دلیل ناسازگاری در اهداف و تضاد واقعی یا ظاهری در منافع اقتصادی و سیاسی‌شان به جدال یا تعارض آگاهانه‌ای با افراد و گروه‌های دیگر پردازند. منازعه امری فراگیر است و همواره در بین افراد و در جوامع مختلف رخ می‌دهد. منازعه همواره با اعمال زور و بروز خشونت همراه نیست و ممکن است با استفاده از ابزارهای مختلف صورت پذیرد (جوادی ارجمند و متین، ۱۳۸۷، ص. ۱۸).

۲-۴. سیاست

سیاست در گسترده‌ترین معنای خود (هیوود، ۱۳۹۶؛ نجف‌پور و تدین‌راد، ۱۳۹۸)، فعالیتی است که مردم از طریق آن قواعد کلی زندگی خود را تعیین تعیین، حفظ و اصلاح می‌کنند. در تعریفی دیگر سیاست عبارت است از فعالیت‌های انسانی در زمینه تصمیمات اقتدارآمیز و عمومی (قوام، ۱۳۹۳، ص. ۲۴).

۲-۵. رفتار سیاسی

اگر قدرت را توانایی بالقوه رهبری سازمان برای اعمال نفوذ در پیروان برای کسب منافع سازمانی در نظر بگیریم. آنگاه رفتار سیاسی به معنای توانایی به‌کارگیری قدرت به منظور

تأثیرگذاری و اعمال نفوذ در فرآیندهای تصمیم‌گیری برای حصول نتیجه است. به عبارت دیگر رفتار سیاسی یعنی به‌کارگیری قدرت به منظور اعمال نفوذ برای حصول نتیجه. با در نظر گرفتن نقش قدرت و اعمال نفوذ در جهت کسب منافع دو تعریف از رفتار سیاسی ارائه می‌شود: رفتار به نفع خود، و فرآیند طبیعی تصمیم‌گیری. بعد اول ناشی از دیدگاه منفی به سیاست است، یعنی اگر من برنده باشم شما بازنده‌اید؛ بعد دوم حاصل از دیدگاه مثبت به سیاست و در قالب اصطلاحات برد - برد و حل‌وفصل تضادها و اختلافات گروه‌های مختلف است (دفت، ۱۳۸۵، ص. ۳۲۷).

۲-۶. هوش سیاسی

عمل سیاسی در اجتماع و سازمان را می‌توان در سه سطح دسته‌بندی کرد:

الف. سطح فردی که در آن منافع شخصی و نه گروه و سازمان ملاک است.

ب. سطح گروهی که عمل سیاسی در قالب ایجاد ائتلاف‌ها شکل گرفته و منافع مشترک گروهی مدنظر است (نیک‌پور، چمنی فرد و صداقت، ۱۳۹۷، ص. ۲۵۰).

ت. سطح شبکه است که در این سطح دستور کار گسترده و بلندمدت‌تری مدنظر است. در واقع شبکه‌ها اجتماعات غیرمنسجمی هستند که عملکرد آنها معطوف به جذب حمایت اجتماعی در جهت کسب منافع سیاسی است از این‌رو می‌توان شبکه‌ها را مردم‌گرا دانست، در حالی که ائتلاف‌ها موضوع‌محور هستند.

با این توضیح می‌توان وجوه برجسته هوش سیاسی را چنین برشمرد (دوستار و ممبینی، ۱۳۹۲، ص. ۵۲۰؛ دوستار و ممبینی، ۱۳۹۳، ص. ۷۰):

یک. هوش سیاسی دلالت بر شناخت دقیق و هدفمند عملکرد رقبا و بررسی چارچوب عملیاتی آنها دارد.

دو. هوش سیاسی فرآیندی است که در چارچوب آن توان رقابتی تصمیم‌گیرندگان از طریق ارائه اطلاعات طبقه‌بندی شده افزایش می‌یابد (دوستار و ممبینی، ۱۳۹۳، ص. ۷۰).

سه. هوش سیاسی بیانگر چگونگی نحوه عملکرد در جهت کسب منافع و تحقق اهداف سازمانی است.

چهار. هوش سیاسی عاملی است جهت بهبود مهارت سیاسی و مدیریت تغییرات سازمانی.

در مجموع می‌توان چنین اظهار داشت که: هوش سیاسی توانایی مدیریت مؤثر اهرم‌های قدرت و نفوذ و واکنش مناسب نسبت به تغییرات است (نیک‌پور، چمنی‌فرد و صداقت، ۱۳۹۷، ص. ۲۵۵).

۲-۷. مؤلفه‌های هوش سیاسی

با توجه طیف متنوع نظریه‌های موجود در این زمینه می‌توان مهمترین مؤلفه‌های هوش سیاسی را به شرح زیر فهرست نمود:

الف. بازی‌های اجتماعی

جایگاه و نقش مؤلفه بازی‌های اجتماعی را در مقایسه این مؤلفه با نظریه ماکیاولی می‌توان درک نمود. ماکیاولیسم عبارت است از توانایی فرد در رسیدن به هدف به هر وسیله ممکن. ماکیاول با این تعریف اخلاق را به طور کلی از سیاست جدا می‌کند و بیان می‌کند که حاکم برای رسیدن به هدف و مقصود خود می‌تواند از هر ابزاری و از هر عملی بهره جوید (Zaccaro & et.al. 2004, p.101). در حالی که در بازی‌های اجتماعی سیاستمدار بین دو راهی همکاری و رقابت قادر به انتخاب است و لزوماً رسیدن به هدف مساوی با کنار گذاشتن اخلاق نیست. در واقع این مؤلفه از هوش سیاسی به نقش‌پذیری، ذهن خوانی، کنترل موقعیت اجتماعی و توانایی شخص برای ایجاد یک شبکه ارتباطی خوب اشاره دارد که با استفاده از آن می‌توان شرایط را به نفع خود تغییر داد (Cook and Macaula, 2004, p.38).

ب. پویایی‌های قدرت

این مؤلفه از هوش سیاسی به رفتارهایی اشاره دارد که مربوط به استفاده، به‌کارگیری و توسعه منابع و پایگاه‌های قدرت می‌شود (Boddewyn and Brewe, 1994, p.122). در این مؤلفه از هوش سیاسی، قدرت به عنوان عاملی کلیدی در جهت غلبه بر مقاومت بازیگران سیاسی قلمداد می‌شود، شناخت پایگاه‌های قدرت و توانمندی‌های رقیب، شناخت ارتباط‌های سازمانی (درون سازمانی و برون سازمانی) و چگونگی نحوه تأثیرگذاری و امتیازگیری از دیگر ویژگی‌های این مؤلفه از هوش سیاسی است (Perrewe and et.al, 2000, p.118). در همین راستا برادشاو و همکاران در سال ۱۹۹۱ تعریفی از قدرت را ارائه دادند که در آن قدرت سیاسی به معنای توانایی فرد در استفاده بهینه از

اطلاعات و قدرت زبان در قالب کاربرد اسطوره‌ها، نشانه‌ها و طنز تعریف شده است (Peled, 2000, p.20).

ب. شخصیت سیاسی

مؤلفه شخصیت سیاسی بیانگر چگونگی تصمیم‌گیری و عوامل تأثیرگذار بر نحوه و سبک تصمیم‌گیری رهبران سیاسی است. در این مؤلفه تصمیم‌گیری فرآیندی است که تحت تأثیر انگیزه‌ها، اعتقادات و منافع رهبران شکل می‌گیرد. در این چارچوب هوش سیاسی رهبران تابعی از تفسیر موقعیت سیاسی توسط آنهاست (Cook and Macaulay, 2004, p.108). در جهان امروز رهبران سیاسی آشکارا با گروه‌ها و افراد مختلف ارتباط برقرار می‌کنند و سعی در ایجاد تغییر و بهبود شرایط دارند. از این‌رو نحوه تفسیر و برداشت رهبران سیاسی از موقعیت‌های مختلف سیاسی عاملی تعیین‌کننده در چگونگی برقرار ارتباط با افراد، گروه‌ها و محیط پیرامونی است. هر چه رهبران سیاسی درک عمیق‌تر و مستقلى نسبت به شرایط سیاسی داشته باشند، توانایی آنها در القا صداقت و ایجاد اعتماد به نفس در دیگران بیشتر خواهد بود و طیف بیشتری از افراد و گروه‌های سیاسی را تحت تأثیر قرار خواهند داد (نیک‌پور، چمنی فرد و صداقت، ۱۳۹۷، ص. ۲۴۵).

ت. صداقت آشکار

مؤلفه صداقت آشکار بیانگر توانایی فرد در ارائه و انتقال صادقانه و بی‌غرض اطلاعات و برداشت‌های شخصی است. صداقت آشکار عاملی است که سبب جذب حس اعتماد و حمایت کارکنان از مدیران در سازمان می‌شود. رهبرانی که از هوش سیاسی بالایی برخوردارند همواره اهداف و منافع سازمان و کارکنان خود را در نظر می‌گیرند و همین مشارکت و صداقت رهبران با ذی‌نفعان سبب بهبود عملکرد سازمانی می‌شود (Coffey et al, 1994, p.274).

ث. تسخیر احساسات

به فرآیندی اشاره دارد که فرد می‌کوشد به واسطه آن، احساسات دیگران را کنترل و جهت‌دهی کند (Wayne and Kacmar, 1991, p.72). تسخیر احساسات بیانگر چگونگی سخن گفتن و رفتار کردن در جهت جلب نظر و افزایش نفوذ در افراد است. در چارچوب مهارت تسخیر احساسات رهبران می‌کوشند تا تصویری مثبت و قدرتمند از خود در ذهن

دیگران ایجاد کنند تا در مواقع لزوم، حمایت آنها را در جهت کسب منافع سیاسی و سازمانی جلب کنند. مهارت تسخیر احساسات دارای مراحل شش‌گانه‌ای است که عبارتند از: تأیید نظر، توجیه، عذرخواهی، وصف خویش، خود را ستودن و بالاخره مورد لطف قرار دادن (Boddewyn and Brewe, 1994, p.131; Schmidt, 2010, p.627 و نیک‌پور، چمنی فرد و صداقت، ۱۳۹۷، ص. ۲۴۷).

۳. روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوا به تحلیل تمامی متون انگلیسی و فارسی منتشر شده مرتبط با هوش سیاسی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ در پایگاه‌های منتشرکننده مقالات انگلیسی شامل «ISI, Elsevier, Springer» و پایگاه‌های منتشرکننده مقالات فارسی، شامل «Magiran.ir, SID.ir, ensani.ir» پرداخته و پس از دستیابی به یک الگوی کاربردی بر اساس رویکرد شناختی، کارکرد هوش سیاسی را در تحلیل و حل و فصل ده منازعه به کار برده است. این منازعه‌ها عبارتند از: جنگ اعراب و اسرائیل (۱۹۵۶)، جنگ اعراب و اسرائیل (۱۹۶۷)، جنگ اعراب و اسرائیل (۱۹۷۳)، جنگ ژوئیه بین لبنان و اسرائیل (۲۰۰۶)، مذاکرات هسته‌ای ایران و ۱+۵ (منجر به تصویب برجام)، اختلافات ایران و عراق بر سر حق حاکمیت بر اروندرود، جنگ داخلی کلمبیا (منازعه دولت کلمبیا و شورشیان فارک)، جنگ داخلی سودان، جنگ‌های داخلی سودان جنوبی.

۳-۱. انتخاب موردهای مطالعه

معیار اصلی برای انتخاب این منازعات، تعدد عوامل مؤثر در آنها و عدم انحصارشان به ادله سیاسی - اقتصادی صرف بوده است. همچنین در این منازعات نقش سیاستمداران و ابزارهای قدرت (مؤلفه‌های هوش سیاسی) نمود بیشتری داشته است. از این‌رو این منازعات برای بررسی کارکردهای هوش سیاسی انتخاب شده و از A تا Z کدگذاری شده‌اند (نگاه کنید به جدول شماره ۱).

جدول شماره (۱): منازعات مورد تحلیل و مؤلفه‌های تأثیرگذار هوش سیاسی در آنها

نام‌گذاری منازعات	مؤلفه‌های تأثیرگذار هوش سیاسی در منازعات		۱. بازی‌های اجتماعی	۲. پویایی‌های قدرت	۳. شخصیت سیاسی	۴. صداقت آشکار	۵. تسخیر احساسات
	عنوان منازعات						
A1	جنگ اعراب و اسرائیل (۱۹۵۶)	A11	A12	A13	---	---	
B1	جنگ ژوئیه بین لبنان و اسرائیل در سال (۲۰۰۶)	---	B12	B13	B14	---	
C1	مذاکرات هسته‌ای ایران و ۱+۵	C11	C12	C13	C14	C15	
D1	مذاکرات صلح بین دولت کلمبیا و شورشیان فارک	---	D12	D13	---	D15	
E1	مذاکرات ایران و عراق بر سر اختلافات حق حاکمیت بر اروندرود (منجر به صلح الجزایر)	E11	E12	E13	---	---	
F1	جنگ اول خلیج فارس (۱۹۹۰-۱۹۹۱)	F11	F12	---	---	---	
G1	جنگ اعراب و اسرائیل (۱۹۶۷)	G11	G12	---	---	---	
H1	جنگ اعراب و اسرائیل (۱۹۷۳)	H11	---	H13	---	H15	
I1	جنگ‌های داخلی سودان	---	I12	I13	---	I15	
J1	جنگ‌های داخلی سودان جنوبی	J11	J12	J13	---	---	

(طراحی شده توسط نویسنده)

۲-۳. تعیین محورهای تحلیل

هر منازعه نیز از حیث تحلیل در ۵ محور مورد بررسی قرار گرفته است. این مؤلفه‌ها متناسب با یافته‌های بخش نظری مقاله انتخاب شده و ۵ مؤلفه بازی‌های اجتماعی، پویایی‌های قدرت، شخصیت سیاسی، صداقت آشکار، و تسخیر احساسات را شامل می‌شود (نگاه کنید به جدول شماره ۱).

۳-۳. فرآیند تحلیل

به منظور تحلیل محتوای مصادیق انتخاب شده، گام‌های زیر برداشته شده است:

گام اول. تبیین مسئله (تأثیر هوش سیاسی رهبران بر رفتار سیاسی آنها در حل و فصل منازعات)

گام دوم. تبیین سؤال (هوش سیاسی چه تأثیری بر رفتار سیاسی رهبران در روند حل و فصل منازعات دارد؟)

گام سوم. گردآوری داده‌ها (تمامی اسناد جستجو شده در پایگاه‌های منتشرکننده مقالات فارسی و انگلیسی شامل ۳۴ مقاله و ۸ گزارش)

گام چهارم. مقوله‌بندی (مؤلفه‌های محتوای حاصل آمده متناسب با مؤلفه‌های هوش سیاسی و عوامل تأثیرگذار در حل و فصل منازعات)

گام پنجم. دسته‌بندی یافته‌های تحلیلی (تمام مقالات و گزارش‌ها که شامل ۴۲ سند است، مورد تحلیل و دسته‌بندی قرار گرفته‌اند)

گام ششم. نشانه‌گذاری (تمامی اسناد با توجه به مقولات تحلیلی، کدگذاری و نشانه‌گذاری شده‌اند)

گام هفتم. تجزیه و تحلیل کمی و کیفی (تحلیل و شمارش و ثبت میزان وقوع کدها یا واحدهای دربرگیرنده مقولات).

۴. یافته‌های توصیفی

منازعات مورد بررسی با توجه به تأثیرگذاری‌شان از یک یا چند مؤلفه هوش سیاسی، رده‌بندی شده‌اند. به طور مثال مؤلفه A11 نشان می‌دهد که مؤلفه بازی‌های اجتماعی بیشترین تأثیر را در حل و فصل منازعه اول داشته و یا کد A12 بیانگر این مطلب است که «مؤلفه پویایی‌های قدرت» در حل منازعه اول از اولویت دوم برخوردار بوده است و به همین ترتیب تا آخر (نگاه کنید به جدول شماره ۲).

جدول شماره (۲): مؤلفه‌های تأثیرگذار هوش سیاسی در حل منازعات

ردیف	عنوان منازعه	سال درگیری	عوامل مؤثر در ایجاد منازعه	عوامل مؤثر در حل منازعه	مقوله‌بندی	مؤلفه‌های هوش سیاسی
۱	جنگ اعراب و اسرائیل (۱۹۵۶) (معروف به جنگ کانال سوئز)	۱۹۵۶	ادعای انگلستان و فرانسه بر مالکیت کانال سوئز و تبانی با اسرائیل و اشغال صحرای سینا	اختلاف شوروی و آمریکا در مسئله مجارستان و حمایت شوروی از مصر	A11	بازی‌های اجتماعی (اعمال نفوذ شوروی و ترس آمریکا از ایجاد منازعه جهانی)
					A12	پویایی‌های قدرت (ورود سازمان ملل به منازعه تصویب قطعنامه و تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه فرانسه و انگلیس)
					A13	تأثیر شخصیت‌های سیاسی (جمال عبدالناصر ودوایت آیزنهاور)
۲	جنگ ژوئیه بین لبنان و اسرائیل (در سال ۲۰۰۶)	۲۰۰۶	توسعه‌طلبی اسرائیل و تقابل با حزب‌الله لبنان و همسایگان عربی	افزایش توان بازدارندگی حزب‌الله لبنان و ورود شخصیت‌های سیاسی و سازمان ملل	B12	پویایی‌های قدرت (سازمان ملل و حمایت ایران و برخی کشورهای منطقه از مواضع حزب‌الله و دولت لبنان در قبال اسرائیل)
					B13	تأثیر شخصیت‌های سیاسی (نقش کلیدی سیدحسن نصرالله در حمایت از مواضع حزب‌الله)
					B14	صداقت آشکار (در جریان گذاشتن مردم و بیان شرایط موجود توسط سیدحسن نصرالله از طریق رسانه‌ها)
۳	مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱ (منجر به تصویب برجام)	۲۰۱۵ - ۲۰۱۶	اختلافات بر سر حق داشتن انرژی هسته‌ای توسط ایران و دستیابی به سلاح هسته‌ای	مذاکره و توافق بین نمایندگان سیاسی ایران و ۱+۵	C11	بازی‌های اجتماعی (استفاده از فنون مذاکره برد - برد و تئوری بازی‌ها و استفاده از روش‌های کارآمد مذاکره)
					C12	پویایی‌های قدرت (شناخت متقابل از نیازها و خواست طرف مقابل و نقش شورای امنیت و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ مبنی بر عملی شدن برجام)
					C13	تأثیر شخصیت‌های سیاسی (نقش محمدجواد ظریف و فدریکا موگرینی)
					C14	صداقت آشکار (بیان شرایط کشور، اهمیت مذاکرات و موضع ایران در قبال کشورهای مذاکره‌کننده ۱+۵ توسط دستگاه دیپلماسی خارجی کشور اعم از آیت‌الله خامنه‌ای، دکتر حسن روحانی و

ردیف	عنوان منازعه	سال درگیری	عوامل مؤثر در ایجاد منازعه	عوامل مؤثر در حل منازعه	مقوله‌بندی	مؤلفه‌های هوش سیاسی
۴	جنگ داخلی کلمبیا (مذاکرات صلح بین دولت کلمبیا و شورشیان فارک)	۲۰۱۶ - ۲۰۱۷	اختلافات ریشه‌دار داخلی شورشیان و دولت	در ابتدا انجام همه‌پرسی و شکست همه‌پرسی و سپس اصلاح توافقنامه	C15	دکتر محمدجواد ظریف از طریق رسانه‌ها) تسخیر احساسات (شناس بودن محمدجواد ظریف و توجیه و بسط نیازهای متقابل و شرایط موجود مبنی بر توجیه لزوم ایجاد برجام)
		D12	پویایی‌های قدرت (آمدگی مردم و اجتماع کلمبیا برای پایان منازعات و شناسایی و درک متقابل از نیازهای مخالفان و رهبران آنها با گنجانیدن ماده قراردادهایی مانند عفو یا تخفیف مجازات شورشیان که پس از شکست همه‌پرسی منجر به اصلاح توافقنامه توسط مجلس و دولت کلمبیا شد)	D13	تأثیر شخصیت‌های سیاسی (نقش رئیس جمهور کلمبیا مانوئل سانتوس)	
				D15	تسخیر احساسات (شناخت نیازهای طرف‌های دعوا و عزم جلدی برای حل منازعه از طریق گفتگو و مذاکره)	
				E11	بازی‌های اجتماعی (اشغال برخی جزایر خلیج فارس و رژیم نظامی حکومت وقت ایران و سپس موافقت و همکاری با الجزایر برای پایان اختلافات)	
۵	مذاکرات ایران و عراق بر سر حاکمیت حق اختلافات عراق بر سر حاکمیت بر اروند رود منجر به صلح الجزایر	۱۹۶۹ - ۱۹۷۵	اختلافات ایران و عراق بر سر حاکمیت بر اروند رود و برخی از مناطق خلیج فارس و دخالت‌های آمریکا در مسائل عراق که با توجه به پشتیبانی آمریکا از ایران موجب افزایش تنش شده بود	صلح میان صدام حسین و محمدرضا پهلوی (دیدار جلال فورد رئیس جمهور آمریکا و لئونید برژف صدر هیئت رئیسه حزب کمونیست اتحاد شوروی در اول آذرماه ۱۳۵۳ (۲۳ نوامبر ۱۹۷۴) در ولادی وستک که زمینه‌ساز قرارداد شد)	E12	پویایی‌های قدرت (استفاده از توانمندی نظامی و ضعف نظامی حکومت صدام در آن زمان و حمایت تسلیحاتی آمریکا از ایران که سبب برتری نظامی نسبت به حکومت وقت عراق شده بود)
		E13	تأثیر شخصیت‌های سیاسی (محمدرضا شاه و صدام حسین و عزم هر دو برای ایجاد صلح و میانجیگری رئیس جمهور الجزایر)	E11	بازی‌های اجتماعی (اشغال برخی جزایر خلیج فارس و رژیم نظامی حکومت وقت ایران و سپس موافقت و همکاری با الجزایر برای پایان اختلافات)	
				E12	پویایی‌های قدرت (استفاده از توانمندی نظامی و ضعف نظامی حکومت صدام در آن زمان و حمایت تسلیحاتی آمریکا از ایران که سبب برتری نظامی نسبت به حکومت وقت عراق شده بود)	

ردیف	عنوان منازعه	سال درگیری	عوامل مؤثر در ایجاد منازعه	عوامل مؤثر در حل منازعه	مقوله‌بندی	مؤلفه‌های هوش سیاسی
۶	جنگ اول خلیج فارس	۱۹۹۰ - ۱۹۹۱	بدهی سنگین عراق به کشورهای عربی توسعه‌طلبی نظامی صدام	ورود آمریکا و متحدانش به منطقه و حمله به عراق و اعمال فشارها و تحریم‌های بین‌المللی به حکومت عراق	F11	بازی‌های اجتماعی (آگاهی کویت از اهمیت موقعیت منطقه‌ای خود برای قدرت‌های فرامنطقه‌ای و ایجاد حجه جهانی و رسانه‌ای علیه صدام حسین و تغییر ماهیت صدام حسین از چهره محبوب و مورد حمایت اعراب به چهره‌ای متجاوزگر و اشغالگر کشورهای عربی)
					F12	پویایی‌های قدرت (کمک آمریکا به عنوان نیروی نظامی برتر به حکومت کویت به عنوان قدرت اقتصادی منطقه و حمایت کشورهای منطقه و نیروهای ائتلاف از کویت)
۷	جنگ اعراب و اسرائیل (۱۹۶۷)	۱۹۶۷	اختلافات اعراب بر سر موجودیت اسرائیل و مشکل آب در اسرائیل	شکست اعراب از اسرائیل و اشغال برخی مناطق از کشورهای عربی مثل صحرای سینا، نوار غزه از مصر، بلندی‌های جولان از سوریه و کرانه باختری رود اردن و تصویب قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل	G11	بازی‌های اجتماعی (نیاز اسرائیل برای به رسمیت شناخته شدن موجودیتش توسط کشورهای عربی و همچنین آگاهی اسرائیل از ترس اعراب از پیشروی‌هایش در خاورمیانه)
					G12	پویایی‌های قدرت (استفاده اسرائیل از نیروی نظامی و استفاده اعراب از ضعف اسرائیل در اعتبار منطقه‌ای جهت پذیرش صلح و قطعنامه شورای امنیت)
۸	جنگ اعراب و اسرائیل (۱۹۷۳)	۱۹۷۳	سعی در بازیابی هویت و اعتبار اعراب که در نتیجه شکست‌های پی در پی از اسرائیل خدشه دار شده بود و بازپس‌گیری مناطق اشغالی از جنگ ۱۹۶۷	شکست اعراب (مصر) و سوریه از اسرائیل و پیشروی‌های اسرائیل در صحرای سینا و همچنین فرصت‌طلبی اسرائیل برای تحمیل موجودیت خود به مصر که منجر به ایجاد قرارداد کمپ دیوید شد که با میانجیگری آمریکا صورت گرفت)	H11	بازی‌های اجتماعی (پیروزی اسرائیل در جنگ با ائتلاف عربی و نقش آمریکا در حمایت از مواضع اسرائیل برای تثبیت موجودیت اسرائیل در منطقه و پایان دادن ظاهری به اختلافات اعراب و اسرائیل)
					H13	تأثیر شخصیت‌های سیاسی (نقش جیمی کارتر برای میانجیگری بین مصر و اسرائیل و عزم انور السادات برای رسیدن به صلح با اسرائیل)
					H15	تسخیر احساسات (خروج ارتش اسرائیل از صحرای سینا و توجیه عقلانی بودن صلح و دادن بعد جهانی و رسانه‌ای کردن

ردیف	عنوان منازعه	سال درگیری	عوامل مؤثر در ایجاد منازعه	عوامل مؤثر در حل منازعه	مقوله‌بندی	مؤلفه‌های هوش سیاسی
						صلح کمپ دیوید)
۹	جنگ‌های داخلی سودان	۱۹۸۳ - ۲۰۰۵	مشکلات اقتصادی و فقر در مناطق جنوبی سودان و استقلال‌طلبی مناطق جنوبی به دلیل حفظ درآمدهای نفتی از سوی و دخالت‌های نیروهای خارجی مثل آمریکا و اسرائیل در تجهیز مخالفان و افزایش تنش‌ها	امضای توافق نامه جامع صلح در ژانویه ۲۰۰۵ و وعده اجرای همه پرسی حکومت مرکزی به جنبش آزادی بخش خلق سودان که در سال ۲۰۱۱ برگزار شد	II2	پویایی‌های قدرت (اتحاد قبایل و جنبش آزادی‌بخش سودان و استفاده از کمک‌های تسلیحاتی نیروهای خارجی برای مجاب کردن حکومت مرکزی به استقلال مناطق جنوبی و همچنین طولانی شدن جنگ که منجر به ایجاد توافقنامه شد)
				تأثیر شخصیت‌های سیاسی (توافق رهبر شورشیان با مقامات حکومت مرکزی)	II3	
				تسخیر احساسات (تهیج مردم مناطق جنوبی برای استقلال و شرکت در همه‌پرسی و در نتیجه وعده پایان یافتن جنگ‌های طولانی مدت و حفظ منابع مناطق جنوبی)	II5	
۱۰	جنگ‌های داخلی سودان جنوبی	۲۰۱۳ - ۲۰۱۸	پس از استقلال سودان در سال ۲۰۱۱ و پس از همه‌پرسی اختلافات قبایل و نیروهای داخلی سودان بر سر قدرت ادامه یافت که با محوریت رئیس‌جمهور و معاون اولش همراه بود	میانجیگری سازمان‌های بین‌المللی توسعه آفریقا (ایگاد) و برپایی کنفرانس صلح در سال ۲۰۱۸	J11	بازی‌های اجتماعی (همکاری رهبران گروه‌های درگیر و سران آفریقا برای ایجاد صلح)
				پویایی‌های قدرت (نقش سازمان بین‌المللی توسعه آفریقا (ایگاد) در روند مذاکرات و برگزاری کنفرانس صلح)	J12	
				تأثیر شخصیت‌های سیاسی (تأثیر افرادی همچون وستوس موگی رئیس‌جمهور سابق بوتسوانا و نقش اتیسوی به عنوان کشور میزبان و میانجیگری اتیسوی بین طرف‌های درگیر)	J13	

۵. یافته‌های تحلیلی

محقق جهت دست یافتن به نکات تحلیلی، از سطح توصیف دادها فراتر رفته و نسبت به بررسی‌های تطبیقی و زوج اقدام نموده است. در فرآیند مقایسه، کد داده‌های یکسان و تکراری حذف شدند و در مجموع ۳۰ کد داده به عنوان مؤلفه‌های تأثیرگذار هوش سیاسی در منازعات در نظر گرفته شدند. در ادامه مهمترین یافته‌ای تحلیلی ارائه می‌شود:

۵-۱. مقایسه تأثیر مؤلفه‌های هوش سیاسی در منازعات مورد بررسی

با توجه به نتایج بدست آمده از این پژوهش بیشترین میزان تأثیرگذاری در حل منازعات مربوط به مؤلفه پویایی‌های قدرت است و مؤلفه شخصیت سیاسی در اولویت دوم تأثیرگذاری در حل و فصل منازعات قرار دارد. در واقع تسلط و نفوذ بر ابزارهای سیاسی همچون نهادهای بین‌المللی و قدرت‌های فرامنطقه‌ای در قالب مؤلفه پویایی‌های قدرت و نقش شخصیت‌های سیاسی در حل و فصل منازعات در قالب مؤلفه شخصیت سیاسی از تأثیرگذارترین عوامل در حل و فصل منازعات بوده‌اند، همچنین ایجاد نیازهای مشترک و شناخت شرایط و تصمیم‌گیری مطابق آن در قالب دوگانه همکاری و تعارض بازی‌های اجتماعی و تسخیر احساسات مردم و سران سیاسی در قالب مؤلفه تسخیر احساسات و داشتن صداقت در اطلاع‌رسانی در قالب مؤلفه صداقت آشکار از دیگر عوامل مؤثر در حل و فصل منازعات بوده است (نگاه کنید به جدول شماره ۳).

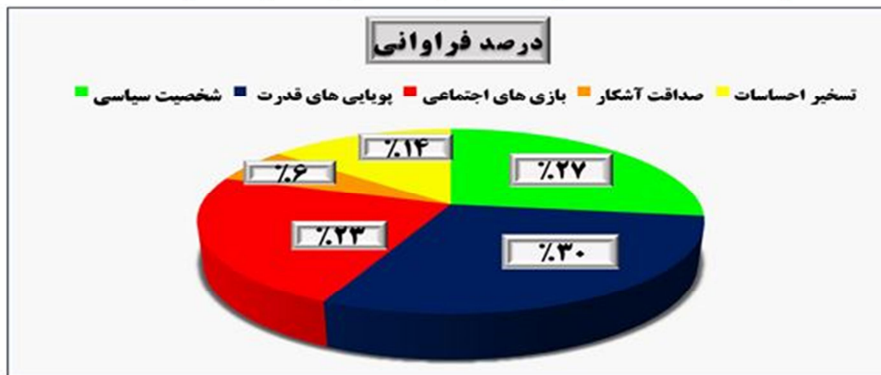
جدول شماره (۳): فراوانی مؤلفه‌های هوش سیاسی در منازعات

ردیف	مؤلفه‌های هوش سیاسی	میزان فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی تجمعی	درصد فراوانی تجمعی
۱	شخصیت سیاسی	۸	۲۷	۸	۲۷
۲	پویایی‌های قدرت	۹	۳۰	۱۷	۵۷
۳	بازی‌های اجتماعی	۷	۲۳	۲۴	۸۰
۴	صداقت آشکار	۲	۶	۲۶	۸۶
۵	تسخیر احساسات	۴	۱۴	۳۰	۱۰۰
۶	مجموع	۳۰	۱۰۰	--	--

(منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)

با بررسی درصدهای تحلیلی مشخص می‌شود که پویایی قدرت مهمترین مؤلفه هوش سیاسی در حل و فصل منازعات به شمار آمده و بعد از آن مؤلفه‌های شخصیت سیاسی، بازی‌های اجتماعی، تسخیر احساسات و بالاخره صداقت آشکار در رتبه‌های بعدی هستند (نگاه کنید به نمودار شماره ۱).

نمودار شماره (۱): مقایسه مؤلفه‌های تأثیرگذار هوش سیاسی در حل منازعات



(منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)

۲-۵. مقایسه میزان فراوانی هوش سیاسی و مؤلفه‌های آن در کل اسناد

بررسی انجام گرفته بر روی کل اسناد (۴۲ سند)، نشان از تأثیرگذاری بالای مؤلفه‌های پویایی‌های قدرت و شخصیت سیاسی و بازی‌های اجتماعی در تغییر شرایط و نحوه عملکرد سیاسی رهبران کشورها بوده؛ این در حالی است که مؤلفه‌هایی همچون تسخیر احساسات و صداقت آشکار از فراوانی و اثرگذاری کم‌تری برخوردار بوده‌اند و کم‌تر به آنها در مقالات اشاره شده است (نگاه کنید به جدول شماره ۵).

جدول شماره (۵): مقایسه میزان فراوانی مفهوم هوش سیاسی و مؤلفه‌های آن در متن اسناد

ردیف	هوش سیاسی و مؤلفه‌های آن	فراوانی (میزان تکرار کلمات در متن اسناد)	درصد فراوانی	فراوانی تجمعی	درصد فراوانی تجمعی
۱	هوش سیاسی	۴۸۷	۵۷.۷	۴۸۷	۵۷.۷
۲	شخصیت سیاسی	۶۹	۸.۲	۵۵۶	۶۵.۹
۳	پویایی‌های قدرت	۸۶	۱۰.۱	۶۴۲	۷۶
۴	بازی‌های اجتماعی	۹۳	۱۱	۷۳۵	۸۷
۵	صداقت آشکار	۴۲	۵	۷۷۷	۹۲
۶	تسخیر احساسات	۶۷	۸	۸۴۴	۱۰۰
۷	مجموع	۸۴۴	۱۰۰		

(منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)

مقایسه میزان فراوانی و تکرار مفهوم هوش سیاسی و مؤلفه‌های آن با توجه به مدل در نظر گرفته شده در پژوهش، حکایت از آن دارد که مفهوم هوش سیاسی با ۴۸۷ بار تکرار و ۵۸ درصد فراوانی از بیشترین میزان تکرار در متن اسناد برخوردار است. همچنین در بین مؤلفه‌های هوش سیاسی مؤلفه بازی‌های اجتماعی با ۹۳ بار تکرار و ۱۱ درصد فراوانی در متن اسناد از بیشترین میزان تکرار و مؤلفه صداقت آشکار با ۴۲ بار تکرار و ۵ درصد فراوانی از کم‌ترین میزان تکرار در متن اسناد برخوردار بوده‌اند. که این امر نشان از اهمیت مؤلفه بازی‌های اجتماعی در ایجاد نیاز مشترک و شناسایی عوامل همکاری و تعارض در روابط سیاسی و سازمانی دارد (نگاه کنید به نمودار شماره ۲).

نمودار شماره (۲): مقایسه درصد فراوانی مفهوم هوش سیاسی و مؤلفه‌های آن در متن اسناد



(منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)

نتیجه‌گیری

منازعه امری فراگیر است و همواره در بین افراد و در جوامع مختلف رخ می‌دهد. منازعه همواره با اعمال زور و بروز خشونت همراه نیست و ممکن است با استفاده از ابزارهای مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی صورت پذیرد. شکل‌گیری مفاهیمی هم چون حل و فصل منازعات و ایجاد رشته‌هایی همچون مطالعات صلح حاکی از وجود نوعی خشونت و بداخلاقی در رفتار آدمی و به معنای دقیق‌تر میل به سلطه‌گری در رفتار دولت‌های مختلف در عرصه روابط بین‌الملل است. این موضوع می‌تواند سبب رسوخ

فرهنگ ضدخشونت در عرصه سیاست بین‌الملل شود و مذاکره و گفتگو را جایگزین خشونت و زور برای حل و فصل منازعات کند. در این میان نقش رهبران سیاسی به عنوان کانون گفتگوها و حافظ منافع گروه‌ها و دولت‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است چرا که هوش سیاسی و مهارت‌های فردی رهبران نقش کلیدی در حل و فصل منازعات ایفا می‌کنند، در واقع هوش سیاسی چارچوبی است که رهبران سیاسی در قالب آن می‌توانند ارزیابی بهتری نسبت به شرایط محیطی داشته باشند. نتایج این پژوهش نیز که با استفاده از روش تحلیل محتوا و در چارچوب نظریه محاسباتی ذهن (مبتنی بر مؤلفه‌های هوش سیاسی) انجام شده است، حکایت از کاربرد مؤلفه‌های هوش سیاسی در تحلیل عوامل تأثیرگذار در روند شکل‌گیری و حل و فصل منازعات دارد. شناسایی نیازها و منافع ذی‌نفعان منازعات سیاسی و شناخت زمینه‌های شکل‌گیری منازعه (عوامل تعارض و همکاری) در قالب مؤلفه بازی‌های اجتماعی، شناسایی پایگاه‌های قدرت و نقش آنان در ایجاد فرصت گفتگو در قالب مؤلفه پویایی‌های قدرت، توجیه نیازهای خود و کسب رضایت طرف مقابل در قالب مؤلفه تسخیر احساسات، داشتن صداقت در اطلاع‌رسانی در قالب مؤلفه صداقت آشکار و در نهایت نقش شخصیت‌های سیاسی در تجمیع منافع و همسو کردن اهداف ذی‌نفعان منازعات سیاسی از جمله کارکردهای هوش سیاسی در تحلیل و حل و فصل منازعات است، در واقع هوش سیاسی می‌تواند سبب بهبود ادراک و شناخت رهبران سیاسی نسبت به مسائل موجود شود، اثرات ناشی از پیش‌داوری و تعارض منافع شخصی و عمومی را کاهش دهد و در نتیجه امکان ارزیابی سیاسی و به تبع روند تصمیم‌گیری در منازعات سیاسی را بهبود بخشد. از این‌رو لازم است به نقش میانجی هوش سیاسی به عنوان عاملی تأثیرگذار در شناخت، ارزیابی و بهبود رفتار سیاسی رهبران بیش از پیش توجه شود.

یادداشت‌ها

1. Susan Adams
2. Alberto Zanzi

کتابنامه

- آتش‌پور، حمید و لندران اصفهانی، سعیده (۱۳۸۶). «هوش سیاسی نفوذ مدیران»، ماهنامه فولاد. ۱۵۰، ۵۳-۴۹.
- تاگارد، پل (۱۳۹۸). *ذهن درآملی بر علوم شناختی* (رامین گلشائی، مترجم). تهران: انتشارات سمت.
- جوادی ارجمند، محمدجعفر و متین، محمدمهدی (۱۳۸۷). «بررسی نقش حل‌وفصل منازعه در روابط بین‌الملل»، *فصلنامه سیاست*. ۳(۱۴۹)، ۳۸-۱۵.
- حاتمی، جواد (۱۳۹۷). *درباره علم شناختی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- دفت، ریچارد ال (۱۳۸۵). *تئوری و طراحی سازمان* (علی پارسائیان و محمد اعرابی، مترجمان). تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- دوستار، محمد و ممبینی، یعقوب (۱۳۹۲). «مدیریت تغییر سازمانی مبتنی بر هوش سیاسی مدیران»، *مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، کارآفرینی و توسعه اقتصادی*. قم: انتشارات جباری.
- دوستار، محمد و ممبینی، یعقوب (۱۳۹۳). «مؤلفه‌ها و کارکردهای هوش سیاسی»، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی*. ۱۰(۱۹)، ۸۶-۶۵.
- فردبرگ، جی و سیلورمن، گوردون (۱۳۹۸). *علوم شناختی مقدمه‌ای بر مطالعات ذهن* (محسن افتاده حال و همکاران، مترجمان). تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایعی دفاعی.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۳). *سیاست‌شناسی*. تهران: انتشارات سمت.
- نجف‌پور، سارا و تدین‌راد، علی (۱۳۹۸). «نسبت سیاست و فهم در منظومه فکری آرنست»، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی*. ۱۵(۳۰)، ۵۹۰-۵۶۸.
- نیک‌پور، امین؛ چمنی‌فرد، راحله و صداقت، حسین (۱۳۹۷). *درآملی بر انواع هوش در سازمان*. ناشر: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- هره، رم (۱۳۹۶). *مقدمه‌ای فلسفی بر علوم شناختی* (حسین شیخ‌رضایی و مجید داودی بنی، مترجمان). تهران: فرهنگ نشر نو.
- هیوود، اندرو (۱۳۹۶). *سیاست* (عبدالرحمن عالم، مترجم). تهران: نشر نی.

- Adams, S. M. and Zanzi, A. (2005). "Developing Political Intelligence for Making Feasible Decisions", *Journal Manage Dev.* 25, 350-367.
- Ashraf; Fatima, Zahid Iqbal, Muhammad (2011). "A Research Agenda on the Leaders Political Intelligence for Effective Change Management", *African Journal of Business Management.* (14), 6150-6158.
- Bercovitch, J.; Kremenyuk, V. & Zartman, W. (Eds)(2009). *The Sage Handbook of Conflict Resolution.* London: Sage Publicatio.
- Bhasin, Roberta (1985). *On Playing Corporate Politics.* Pulp and Paper, Stockholm, Sweden.
- Boddewyn, J. J. and Brewe, T. L. (1994). "International- Business Political Behavior: New Theoretical Directions", *Academy of Management Review.* 19, 119-143.
- Coffey, Robert, E.; Cook, Curtis, W. and Hunsaker, Phillip, L. (1994). *Management and Organizational Behavior.* Boston, Massachusetts, Irwin.
- Cook, S. and Macaulay, S. (2004). *Change Management Excellence.* Kogan Page, London and Sterling.
- Ferris, G. R.; Davidson, S. L. and Perrewe, P. L. (2000). "Political Skill at Work", *Organizational Dynamics.* 28, 25-37.
- Ferris, G. R.; Treadway, D. C.; Kolodinsky, R. W.; Hoch Warter, W. A.; Kacmar, C. J.; Douglas, C., and Frink, D. D. (2005). "Development and Validation of the Political Skill Inventory", *Journal of Management.* 31, 126-152.
- Peled, A. (2000). "Politicking for Success: The Missing Skill", *Leadership & Organization Development Journal.* 21, 20-29.
- Perrewe, P. L.; Ferris, G. R.; Frink, D. D. and Anthony, W. P. (2000). "Political Skill: An Antidote for Workplace Stressors", *The Academy of Management Executive.* 14, 115-123.
- Schmidt, M. J. (2010). "Is There a Place for Emotions within Leadership Preparation Programs", *Journal of Educational Administration.* 48, 626-641.
- Treadway, D. C.; Ferris, G. R and Kacmar, C. J. (2004). "Leader political skill and employee reaction", *Journal of leadership Quarterly.* 48,70-88.
- Wayne, S. J. and Kacmar, K. M. (1991). *The Effects of Impression Management on the Performance Appraisal Process.* Organizational Behavior and Human Decision Processes, 70-88.
- Zaccaro, S. J.; Kempc, C. and Bader, P. (2004). "The Nature of Leadership", Thousand Oaks - CA, Sage, Chapter, 5, 101-124.

